

(الف)

نام نمایش: عطش

مدت زمان نمایش: ۳۰ دقیقه

کارگردان: مهدی ربیعی غلامی

نویسنده: علی توکلی زانیانی

خلاصه نمایشنامه و متن: رهبر کبیر انقلاب دستور جهاد داد برای دفاع از حق، جوانان این سرزمین لبیک گفتند و برای مبارزه با نیروهای عراقی وارد جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. این نمایش با تبعیت از گفته های امام نگاهی متفاوت به عملیات والفجر مقدماتی گردان کمیل و حنظله دارد بخصوص زندگی و منش شهید ابراهیم هادی. این نمایش تئاتری مستند براساس واقعیت می باشد، استفاده از صدای شهید ابراهیم هادی و امام، نورپردازی دقیق و حساس مرثیه ها و نوحه ها. با نماد پردازی و شخصیت پردازی شمر به عنوان عراقی ها و در مقابل حضرت ابوالفضل العباس به عنوان ایرانی ها.

منابع: وصیت نامه و صحیفه امام، زندگینامه شهید ابراهیم هادی

(ب)

سوابق هنری: دفاع پایان نامه نمایش جک یک دست با درجه کیفی الف، بازیگر نمایش از نو شکفتن کارگردان جهانبخش سلطانی، بازیگر نمایش قطار ساعت ۱۱ کارگردان اسماعیل موحدی، بازیگر و دستیار صحنه نمایش گربه ها محله ی قانزاریا کارگردان عباس جلیل زاده، بازیگر و مدیر صحنه نمایش بیقراری کارگردان ابوالفضل شریفی، بازیگر نمایش هزاران دست کارگردان محمدرضا رفیعی، مدیر صحنه نمایش آوانگارد کارگردان احسان فاضلی، منشی صحنه نمایش مقابله مثل کارگردان اکرم ابوالمعالی، مدیر صحنه نمایش سالن شماره صفر کارگردان حمیدرضا یحیی آبادی و کیانوش ابراهیمی، مدیر صحنه نمایش کسوف کارگردان فرینا مهر آذر و...

## نمایشنامه عطش

سرزمین نینوا یادش بخیر، کربلای جبهه ها یادش بخیر، بود سنگر بهترین ماوای من، آه جبهه کو برادرهای من. به فرمان امام خمینی (ره) بچه های این سرزمین بر دفاع از ناموس و وطن، مبارزه حق علیه باطل راهی جبهه های جنگ شدند. بعضی به شهادت رسیدند، بعضی مفقود الاثر شدند، بعضی جانباز اما دست از مبارزه نکشیدند و با خون خود درخت انقلاب را آبیاری کردند. فرزندان این سرزمین بعد از هشت سال جنگ تحمیلی بالاخره این کشور را با یاری و خواست خدا آزاد کردند.

در این نمایشنامه هدف بر این است که با قطره ای از اقیانوس بی کران سال های دفاع مقدس آشنا بشویم و تجدید میثاق کنیم با یاران شهیدای گردان کمیل و حنظله در عملیات والفجر مقدماتی به خصوص شهید ابراهیم هادی که در این نمایشنامه با شخصیت و منش وی، از کودکی تا جبهه و به شهادت رسیدن ایشان آشنا خواهیم شد. در این نمایشنامه سال های پر مخاطره دفاع مقدس، شادی ها غصه ها، حفظ ارزش ها و ایستادگی ها مقابل دشمن بررسی می شود. شایان ذکر است در این نمایش قسمتی از عملیات والفجر مقدماتی به تصویر کشیده می شود. از این واقعه چندین نفر جان سالم به در بردند و شدند سفیران این قصه تا برای آیندگان تعریف کنند.

و اما قصه کانال کمیل چی شد در فکه؟ چه اتفاقی افتاد...؟ زمینی لم یزرع شد، زیارتگاه عشاق، در هجوم اول عراقی ها در کانال کمیل ۳۵۰۰ نفر در منطقه به شهادت رسیدند و این عزیزان بعد از ده سال تفحس و شناسایی شدند. منافقین تمام راهکار ها را تحویل عراقی ها دادند. تعداد نیروهای ما، تجهیزات، زمان و مکان عملیات، هدف رسیدن به شهر الاماره عراق بود نه برای کشورگشایی. برای پایان دادن به عملیات بچه ها چهار شبانه روز جنگیدند. امکانات تمام شد مایع حیات، آب نیز تمام شد. با از خود گذشتگی شهدا و همچون شهید ابراهیم هادی یکی از فرماندهان شجاع عملیات، وی محاصره را دور می زند و در طلب آب به عقب بر می گردد. می شود مقسم آب مثل حضرت ابوالفضل العباس. اول از همه آب به دشمن داد زیرا عقیده داشت که اسرا عراقی مهمان هستند. اول شما بخورید بعد به بچه های خودمان داد و خود لب به آب نزد مثل حضرت ابوالفضل العباس.

این نمایش تئاتری مستند براساس واقعیت می باشد، استفاده از صدای شهید ابراهیم هادی، استفاده از صدای امام خمینی (ره)، استفاده از موسیقی، سرودها، مرثیه ها و نوحه ها. صحنه ای مینمال به همراه دیتاشو که در صحنه های مورد نیاز به اجرای کار کمک می کند، نور پردازی دقیق و حساس که بیش از هر چیز اجرای اثر را جذاب تر می کند، با نماد پردازی و شخصیت پردازی شمر به عنوان عراقی ها و صدام (شمر زمانه) و در مقابل حضرت ابوالفضل العباس به عنوان ایرانی ها و شهدا.

و این راه ادامه دارد...